

همایون علی آبادی

## نقد و معرفی کتاب‌های تازه



● به خدای ناشناخته

● اثر: جان اشتاین بک

● ترجمه: محمد معینی

● چاپ سوم، ۱۳۶۸، انتشارات نواش، ۲۸۸ ص، ۹۸۰ ریال

اشتاین بک، وابسته به آن مکتب ادبی در داستان نویسی آمریکاست که اصطلاحاً «مکتب جنوب» نامیده می‌شود. ویلیام فاکنر نویسنده بزرگ آمریکائی - و شرود آندرسن جزو همین گروه نویسندگان هستند که با آثار واقعگرا و بومی خود، توانستند فضا و جو خاصی در ادبیات آمریکا بازسازی کرده و رنگی متمایز به آثار خود بخشند. مشخصه این آثار، سبک تند و تیز، واقع‌گرایی خشن، زبان ساده و مردمی، توجه به مردمان محروم، کارگران، کشاورزان، سیاهان و همه هتک حیثیت شدگان جامعه اوایل قرن بیستم آمریکا در منطقه جنوب آمریکا و توجه به آسمان جلها و آدمهای خانه بدوش و فقیری است که اکثراً به برخوردی حاد با قوانین و شرایط جامعه خود می‌رسند و در برابر طبقه مسلط و سودجو و بیرحم همان جامعه فرار می‌گیرند.

اشتاین بک در اواخر عمر - در دوره سال های بعد از ۱۹۶۲ - به نوعی رفاه و آسودگی اشرافی دست یافت و «چپ آوازه افکننده و از راست شد»، و یکباره از تعهدهای دوران جوانی و قلم تند و تیزی که خدمت رسان صدای فریاد و رنج انسانهای محروم و هتک حرمت شده «جنوب» بود دست شست و به نویسنده ای پولساز و «گران» بدل شد که زینت المجالس مطبوعات شیک و دختر مدرسه ای نیویورک و شیکاگو بود. آیا این تغییر موضع ۱۸۰ درجه ای را نبایستی از خصال جوامع سرمایه داری و نظم غیرانسانی حاکم بر آنها دانست؟ از نویسندگان هم نسل او، ارنست همینگوی مجبور شد گلوله ای در دهان خود شلیک کند و آن دیگری یعنی فاکنر در اواخر عمر، قلم بر زمین نهاد و به میخوارگی پناه برد. و در این نکته ها، جای تأمل بسیار برای اهل عبرت وجود دارد. اما نباید فراموش کرد که آمریکای واقعی را در کتاب های این چند نفر می توان شناخت و بررسی کرد.

«به خدای ناشناخته»، سرنوشت محتوم و ناگزیر آدمیانی است که با تلاش و همت، در پی برپایی کومه و خیمه ای برای طی عمر و ایام اند، مکانتی برای زیستن و نه برج عاجی برای رفاه و تن آسایی و فریبگی. حکایت هجرت و عشق و غماخشم و مرگامرگی بی وقفه سمبریه های غبار داس اجل، و درو کردن آنچه تقدیر و سرنوشت در نوشته است. رمان اشتاین بک، به رغم همه افت و خیزها و اوج و حقیض هایی که در ترجمان فارسی یافته، به سبب آن رگ و ریشه های درونی و مستحیل در نسوج و بافت داستان، چندان به دل نشستی و دوست داشتنی است که وقتی کتاب را می بندیم و به انجام و فرجام می رسیم، گویی این زندگی «ژوزف» - قهرمان کتاب - است که هم اینک در شرف و مصادف تمامت است.

حسرتی که به دل می ماند، شایزدگی مترجم در تنقیح و ترجمه و تصحیح است. ای کاش با دقتی بسا بیش از اینها رمان اشتاین بک را می خواندیم. و مقدمه متنوع و مستوفای مترجم را و نیز جملگی کوشش و کشش وی را در گزارش و نگارش این رمان به چامه فارسی، ارجی بایسته و درخور می گذاشتیم. حالیا نیز چیزی از کف نرفته که «به فرهنگ باشد روان تندرست».

«به خدای ناشناخته»، بی گمان در شمار زیباترین و ماندنی ترین آثار ادبی معاصر است که جایگاهی بشکوه و تناور در تاریخ این دوره دارد. آری، درخت تناور باز هم میوه داد!

• اثر ویلیام شکسپیر

• ترجمه: حمید الباسی

• چاپ اول، تهران، زمستان ۱۳۶۸، انتشارات روشنگران، ۱۹۷ ص، ۱۱۵۰ ریال

این نمایشنامه در شمار آثار دوره دوم [از ۱۵۹۵ تا ۱۶۰۰] شکسپیر است که گاه این دوره غنایی خوانده می‌شود و اغلب بهترین کمدی‌ها و نمایشنامه‌های تاریخی او در این دوره نوشته شده است، از قبیل: ریچارد دوم، رویای نیمه شب تابستانی، تاجر ونیزی، رومئو و ژولیت، زنان سرخوش و بندسور، هیاهوی بسیار برای هیچ، هر طور که بخواهید و شب دوازدهم.

از این کمدی معروف و سرشناس شکسپیر، بیش از این دو ترجمه به فارسی در دست بود از: مسعود فرزاد و افضل وثوقی. ترجمه حاضر از نظر سلاست، روانی و شیوایی و فصاحت و جزالت کلام، مزینتی بر ترجمه‌های پیشین - جوینده ترجمه وثوقی - ندارد. تنها نکته در تعمد نویسنده به حفظ و صیانت ترجمان منظوم اثر است. آثار شکسپیر، عموماً آمیزه‌ای است از نظم دراماتیک و نثر. در نظم، از شعر سپید تا غزل با زبان آهنگین ممزوج شده و در هم آمیخته و ماحصل را اثری کلاسیک، فصیح و درشتیغ و سیادت اندیشه و مایه‌وری منطقی دراماتیک برنشانده است.

در هر حال، نباید ترجمه الباسی را سرسری گرفت و یا با عیب جویی‌های ناسپاسانه، کارش را اندک جلوه داد و او را از ادامه راه بازداشت. تجربه، مفتنم است و ما امیدواریم روزی برسد که در ترجمه آثار کلاسیک، و بخصوص نمایشنامه‌های شکسپیر که اوج عزت و عظمت زبان آوری و واژه‌سازی و فقه‌اللفه است، ترجمه‌هایی پاک و پالوده و سفته داشته باشیم.

تا آن روز، این ترجمه‌های مکرر، بی‌گمان مبنا و مسندی است قابل اعتنا که راه پر مخافت و درشتناک و صعب را پس پشت می‌نهند و زمینه و زمانه را برای چنان ایامی فراهم می‌آورند.

مترجم در مقدمه می‌نویسد: «زیبایی نمایشنامه شکسپیر، کلام آن است و به گفته یکی از پژوهشگران، باید نمایشنامه را شنید، و هر آنچه را که لذت بردن سمعی و تمرکز حواس بر کلام را مختل سازد زاید است. نمایشنامه‌های شکسپیر پیش از آنکه کیفیتی بصری داشته باشند واجد لذتی سمعی هستند.» که این رأی و گمانه، یکسره باطل و خطاست. آثار

شکسپیر مملو و مالا مال از تصویرهای بکر و بدیع نمایشی، ایما و ابهام‌های تئاتری و اساساً ساختار و چهارچوبهای محکم و منسجم صحنه‌ای است، که وی نه تنها ادیب اریب، بل اهل تئاتر و بازیگری و رعایت اصول و مبانی و قواعد تئاتر نیز بوده است. حال اگر اینگونه متن‌ها، سوای اجرا، خواندنی و جالب خاطر و عاطرند نه از باب سمعی بودن این آثار، که به لحاظ منشوری و چند وجهی بودن آنان است. این آرمان و کمال و غایت و نهایت یک درام‌نویس است که آثارش هم خواندنی باشند و هم دیدنی. اندکند اقربای قلم و قاذ و اعجازگر درام‌نویسانی که توانسته‌اند مخیله خویش را چندان در عرصات و پهنه خیال و تصویر و تصور، سیال و روان سازند که محصول و فرآورده‌اش، هم بر صحنه و هم بر صفحه دیدنی و خواندنی باشند.

در اینجا باید ذکر کرد هم از ترجمه پاره‌هایی از مکبث شکسپیر [عبدالرحیم احمدی] بیاوریم: ترجمه‌ای درخشان و دقیق، که در عین امانت و وفاداری به اصل و نسل و عصر اثر، برداشت‌های اقتباس‌گونه و آزاد نیز دارد که خواننده و پژوهنده و اصحاب تئاتر را نیز، در دستیابی به مفاهیم یاریگر است. و ذکر کردیم از ترجمه برش و پاره‌های آهنگین مکبث، که با زبان بلیغ و مایه‌ور و فصیح نادر نادر پور جلوه‌ای دوباره و دیگر یافته است. ترجمه الپاسی، در واقع ادامه همان راه احمدی / نادر پور است، منهای سلفه و تسلط بی‌گفت و گو و کمال طلب آنان. و برای آنکه نمونه‌ای از ترجمه را هم از باب داوری خوانندگان آورده باشیم به این پاره می‌نگریم:

«مهریزدان تو را همی همراه باد سانی و مطالعات فرهنگی»

در درگاه ارسینو مرا دشمن هست

ورنه ز بی تو زود آنجا بودم

اما بادا هر آنچه بادا، زیراک

آنگونه ستایمت که هر مهلکه‌ای

بازیچه شود تو را ز بی خواهم رفت.»

و این هم ترجمه همان بخش از نمایشنامه «شب دوازدهم» با ترجمه افضل وثوقی:

«لطف همه خدایان همراه تو باد. من در دربار دوک اوسینو دشمنان بی‌شماری دارم. اگر

چنین نبود خیلی زود در آنجا به تو می‌پیوستم. لیکن هر چه بادا باد. من آنچنان محبت تو را

در دل پرورده‌ام که خطر در برابر آن بازی کودکانه‌ای بیش نیست. می‌آیم.»

● شمعی در باد [نمایشنامه]

● اثر: آلکساندر سولژیتسین

● ترجمه: ژبلا دهخدا

● چاپ اول، تهران، تابستان ۱۳۶۸، انتشارات آسیا/ نشر بهاران، ۱۷۳ ص، ۶۵۰ ریال

سولژیتسین، همیشه علاقه وافری به تئاتر داشت. هنوز سال ۱۹۶۲ نشده بود و مدت کوتاهی از آزادی او از اردوگاه کار نگذشته بود که نمایشنامه «آدم ساده لوح و دختر عاشق پیشه» را نوشت.

«شمعی در باد» در سال ۱۹۶۰ در حالی نوشته شد که سولژیتسین به عنوان معلم فیزیک و ریاضی در دبیرستانی واقع در «ریازان» کار می‌کرد. این نمایشنامه ابتدا برای اجرا مورد پذیرش تئاترهای «واختانگف» و «کومسومول» در مسکو قرار گرفت، اما بعد رد شد. این نمایشنامه، زمینه حرفه‌ای سولژیتسین را به عنوان یک ریاضیدان و علاقه او را به علوم و تکنولوژی منعکس می‌سازد.

به طور کلی، زبان نمایش متناسب با محیط تکنولوژیکی روشنفکرانه‌ای است که نمایش را تحت الشعاع قرار داده است. در این حصار نسبتاً بی‌رنگ، هنوز زبان محاوره‌ای بازگشت به اصطلاحات خاص علمی مشتق از «سپرنوتیک» [دانش گردانش] و علم کامپیوتر در داخل و خارج زمینه نمایشنامه، آگاهی شخصی را در مورد مقام تکنوکراتیک شدت می‌بخشد و بر موضوع‌های نمایش تأکید می‌کند.

سولژیتسین قبل از نگارش هر عنوان و مفاوای «بیوسپرنوتیک» همیشه توجه زیادی به تحقیق می‌کند. در مورد این نمایش، اشاره بر کشف زمینه علمی وسیعی به کمک دوستان سپرنوتیک شناس خود می‌کند. احتمالاً کارهای انجام شده نیز در دسترس او بوده است. درباره تحقیق روسیه در منطقه [که به طوری وسیع طبقه بندی شده است] اطلاعات ناچیزی در دست است. اما تحقیق اخیر آمریکایی‌ها نشان می‌دهد که موضوع‌هایی که به وسیله سولژیتسین در نمایش مطرح شده، به هیچوجه جنبه غیر واقعی ندارد.

«کیت آرمز» در مقدمه «شمعی در باد» می‌نویسد: «سولژیتسین از کاربرد وسیعتر شیوه‌های سپرنوتیک نگران است.» و این نگرانی بیهوده و بی‌جا نیست، که تیغ در کف زندگی مست است. و این نمایشنامه نشان می‌دهد که چگونه علم و فرهیختگی و فرزاندگی به یاری انسان می‌آید، اما به سبب کم ظرفیتی و تشبه آدمی، سرآخر او را به وادی و ناکجاآباد جهنمی

می برد. آری دشمن طاووس آمد پراو. فکر و تخیل نمایش، اسما و اندیشه‌ها، تخیل و تخیل  
 در هر حال مطالعه این اثر اندیشه برانگیز و آگاهاننده را به همه دوستداران تئاتر و علم  
 سبیرنتیک توصیه می‌کنیم. فراموش نکنیم که زمانی از «مارتین هایدگر» - فیلسوف نام آور -  
 می‌پرسند که آیا عصر فلسفه به پایان آمده و اگر آری جای فلسفه را کدام قلمرو بشری می‌گیرد؟  
 با کلامی موجز و کوتاه می‌گوید: سبیرنتیک.

• آنتون آرتو، شاعر دیده و رصحنه تئاتر

• نوشته: جلال ستاری

• چاپ اول، ۱۳۶۸، انتشارات نمایش، ۱۰۸ ص، مصور، ۳۲۰ ریال

آنتون آرتو، در شمار آشوبگران و مبدعان با فرهنگ تئاتر معاصر است که با یاری  
 جستن از روش‌های فریادی و یونگی، جهان تئاتر امروز را یکسره دیگرگون ساخته است.  
 آرتو، فرهنگ را به مثابه یک کمال و منحصر فرضی می‌انگارد که اگر آدمی از مرز آن  
 عبور کند، به تهاجم دست می‌یازد. تهاجمی عارفانه و ستیهنده که از حیطه جهنمی و ظلمات  
 فرهنگ‌ها، که آزادی بشر را سرپوش می‌نهند، مایه و منقلم و منشأ می‌گیرد. هستن و زیستن  
 آرتو تداعی گر این شعر است:

آزمودم عقل دوران‌شدیش را  
 بعد از این دیوانه سازم خویش را  
 و آرتوی سرسپرده جنون و برهوت از مهادیق بارز این سخن نیز هست:

گفتند عاقلان غم دیوانه می‌خوریم  
 دیوانه هم شدیم و غم ما کسی نخورد  
 دکتر جلال ستاری، با همگان گزیده‌های طبع خود را موهود، متنس و دقیق و بقاعده و سنجیده از  
 زندگی آنتون آرتو - این ناشناخته سرشناس - فراهم آورده است. اگر از زبان پرتصنع و تکلف  
 متن که آشکارا بر مفاهیم سنگینی می‌کند بگذریم و آنرا اقتضای کتاب بیان‌گاریم، بی تردید  
 این متن جامع‌ترین و موع‌ترین متون برای شناخت آنتون آرتو است. پیش از این از آرتو،  
 جسته و گریخته و اینجا و آنجا مقالات و مقولاتی خوانده بودیم - که فهرستش را دکتر ستاری  
 در پایان کتاب آورده است - که هیچیک از نقطه نظر وسعت، مشرب، دقت و ژرفانگری و  
 خاصه سیر و غور و غوص در قلمرو تخصصی نویسنده یعنی روانکاوی هنر و سایکودراما، در  
 اندازه‌های این اثر نیستند.

مطالعه این کتاب برای همه دوستداران و دست اندرکاران قلمرو هنر تئاتر و اساساً

اصحاب فرهنگ ضروری است.

● اشغال [فیلمنامه]

● بهرام بیضانی

● چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸، انتشارات روشنگران، ۷۹ ص، ۵۰۰ ریال  
در واقع این فیلمنامه چاپ دوم است، و نخستین بار آن را در کتاب «چراغ» [جلد سوم] خواننده ایم. کاری با همان فضاهای جادویی و جذاب بیضانی که خواننده را تا انتها، یکسره و بی وقفه با خود همراه می‌سازد. فیلمنامه در مایه فیلم «کلاغ» و یک دو اثر دیگر او است. همان مجلا و مهتاب مغتتم و مصعب‌های دوره‌های رضاخانی پس از شهریور ۱۳۲۰، که تداعی گر دل‌تنگی و یاد باد آن روزگاران یاد باد است و با ذهن و نظرگاه مقتدرانه نمایشی، جذبه و جاذبه‌ای تازه یافته است.

اشغال، روایتی است دوباره و دیگر از شمشادهای خونین شهریور ۲۰؛ عصر سلطه و صبرورت بیگانگان و غربا بر این خاک پاک. و اقربا که خود باخته و در خویش شکسته، خود تبه‌ساز و تکیده، تنها در پی جیفهٔ دنیایی و اسب و علیق خود بودند و آنچه از این محمل برگرفتند، علوفه‌ای بود برای شکمبه و بس. و بیضایی این همه را با ایهام‌ها و کنایات همیشگی و در لفظ و لغت می‌گوید؛ اما استادانه و مسلط.

● طومار شیخ شرزین [فیلمنامه]

● بهرام بیضانی

● چاپ اول، تهران، زمستان ۱۳۶۸، انتشارات روشنگران، ۷۹ ص، ۵۰۰ ریال  
منطق این اثر، مینطق صحنهٔ تئاتر است تا سینما. گفتگوها و انحاء تکنیک‌های نگرشی و نگارشی، بیشتر با فضای بسته و محدود و مکتبی تئاتر سروکار دارد تا فضای بسیط و گسترده و بی در و پیکر سینما. اما در هر حال، این متن نیز برای سینما و دوربین نیز همان معضلات و مصائب و دردسرهای همیشگی فیلمنامه‌های بیضانی را دارد: آثاری برای خواندن و لذت بردن که حتی تصور و وهن‌شان برای عرضه و اجرا، قله‌های مرتفع و فتح ناشدنی را پیش روی می‌آورند.

● نظریه ادبی

● تری ایگلتون

● ترجمه: عباس مخبر

● چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸، نشر مرکز، ۳۲۱ ص، ۱۱۵ تومان

سلسله جنبان و طلایه دار این مکتب بی گمان «رولان بارت» فرانسوی است و کتاب جاودانه اش «نقد تفسیری».

بیهوده نیست اگر در میان ۵ مبحث اصلی کتاب [برآمدن ادبیات انگلیسی، پدیدارشناسی، علم تفسیر، نظریه دریافت، ساختگرایی و نشانه شناسی، مابعد ساختگرایی، روانکاوی] بخش پدیدارشناسی [فنونولوژی] و علم تفسیر دینی پدیدارشناسانه [هرمنوتیک] در شمار موفق ترین و پرمحتواترین بخش های کتاب است، تاثیر مارتین هایدگر در جای جای کتاب مشهود است. و خاصه نظریه تفسیر و تأویل هایدگری بی هیچ شبهه و شائبه ای، آموزنده ترین بخش های کتاب است.

کتاب به جز مباحثی که آمد شامل این بخش هاست. ادبیات چیست، نقد سیاسی، یادداشت ها، کتابشناسی و فهرست راهنما.

● نقد و تفسیری بر «گرگ بیابان» هرمان هسه

● نوشته: جان. د. سایمونز

● ترجمه: فریدون مجلسی

● چاپ اول، زمستان ۱۳۶۸، کتاب سرا، ۱۴۰ ص، ۱۰۰۰ ریال

هسه، در شمار عارف ترین و وارسته ترین نویسندگان نام آور معاصر است. آثار وی چندان در فضاهاى لایتناه و لایزال شرقی سیر و صبرورت دارد که از او یک نویسنده شرقی مشرب و مسلک و رند عاقبت سوز ساخته است. «نفسیری که پروفیسور سایمونز به پژوهندگان و علاقمندان آثار هسه عرضه داشته است، ضمن اینکه مدل و نمونه مناسبی از یک تفسیر ادبی در اینگونه زمینه ها به دست می دهد، کمک ارزنده ای برای درک و برداشتی بهتر و روشن تر از این مهم، هرمان هسه و دیدگاههای این نویسنده بزرگ آلمانی به شمار می رود.»

شادمانه باید گفت که ترجمه «کیکاوس جهاننداری» از «گرگ بیابان» [اشپتن ولف] ترجمه ای معتبر و خواندنی در ریخت و ریخت فارسی است و خواننده می تواند با مراجعه به این کتاب، از متن «سایمونز»، بسا بیش از این ها بهره برد.

فریدون مجلسی مترجم کامیاب کتاب، تکمله با ارزشی با عنوان فهرست آثار اصلی هسه به ترتیب تاریخ و نیز ذکر کلیه ترجمه های آثار این نویسنده گرانسنگ و مفلق آورده که از باب تحمیم فایده، خوانندگان را یاری می رساند.



● چهار چهره | خاطرات و تفکرات درباره نیما بوشیج، صادق هدایت، عبدالحسین نوشین و ذبیح

بهروزا

● نوشته: دکتر انور خامه‌ای

● چاپ اول، پانزدهم ۱۳۶۸، کتاب سرا، ۲۲۲ ص، مصور، با جلد کالینگور، ۲۷۰۰ ریال

مؤلف کتاب در آغاز وجوه اشتراک این چهار تن را که هر یک در قلمرو و آفاق و اقالیم گونه‌گون، سیر و غور داشته‌اند در پیشگامی و نوآوری آن‌ها و هم‌آوردی و چالش آنان با دشواری‌ها و کارشکنی‌ها و مخالفت‌ها ذکر می‌کند.

خامه‌ای می‌نویسد: «نیما پیشگامی و پرچمداری شعر نورا بر عهده گرفت؛ هدایت داستان‌نویسی واقعی و با ارزش را وارد فرهنگ ما ساخت؛ نوشین، کارگردانی راستین را به تئاتر ما هدیه کرد و آن را به هنر پیشگان جوان ما آموخت؛ و بهروز پرچم پارسی‌نویسی را بر دوش کشید و در راه اصلاح و پیراستن زبان ما گام برداشت.» به نکویسی آشکار است که دکتر خامه‌ای مآثر و معارف این چهار تن را در ابعادی کامل و جامع می‌شناخته و با آگاهی و استناد به آثار، هستن و زیستن آنان را بررسی کرده است. در میان این چهره‌ها، اگر حمل بر جانبداری از تئاتر نشود، باید کار چهره‌نویس را در باز پیرایی و روشنگری و اتقان چهره «عبدالحسین نوشین» موفق‌تر از بقیه دانست. خاصه آنکه درباره آن ارجمنندان و دانشوران پیش از این‌ها، بسیار خواننده بودیم. نوشین شهیدی بود که علمدار تئاتر معاصر این بوم به شمار می‌رود. و محاقبت نیز در صحنه تئاتر روی در نقاب خاک تیره کشید. غبارزدایی و رنگارویی از چهره ذبیح بهروز - این پیر ادب فارسی - نیز از دیگر خدمات دکتر خامه‌ای است.

● در نگاه نخست

- کتابخانه ملی، تهران، ۱۳۶۸، ۲۲۲ ص، مصور، با جلد کالینگور
- (نقد و بررسی) ۱۳۶۸، ۲۲۲ ص، مصور، با جلد کالینگور
- در حاله نورو - نوشین، هدایت
- بهروز، سیر و غور، نیما بوشیج، صادق هدایت، عبدالحسین نوشین و ذبیح
- در نگاه نخست